



## فصلنامه دیگر کارهای حقوقی صنایع

دوره ۲۴، شماره ۸۷، پاییز ۱۳۹۸

صفحات ۱۸۹ تا ۲۰۶

# ابراء و بررسی ضمان در قراردادهای ارفاقی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶ دی ۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸ اردیبهشت ۲۹)

ابراهیم عبیدی پورفرد\*: دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم

محمد تقی عباسی اندواری: داشتچوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

### چکیده

ابراء که به نظر فقهای شیعه، حقیقت آن اسقاط است نه تمیلک؛ یک عمل حقوقی محسوب می‌شود لیکن مشهور فقهاء آن را ایقاع می‌دانند. از قول بعضی فقهاء نقل شده که ابراء عقد است به هر روی ماده ۲۸۹ ق.م از نظریه مشهور فقهاء تبعیت نموده است. در فرآیند قرارداد ارفاقی، به اعتباری صرف نظر کردن بخشی از طلب و یا اعطاء مهلت به تاجر به نوعی ابراء شکل می‌گیرد. در قرارداد ارفاقی از نوع اول در صورتی که بستانکاران از بخشی از طلب خود، صرف نظر نمایند، این چنین عمل حقوقی می‌تواند ابراء مشروط محسوب شود، هرچند اثر اسقاطی آن کامل نیست زیرا ابراء جزئی از طلب و مشروط به ایفاء تعهد، یعنی پرداخت مابقی دین از سوی تاجر است. اما تعبیر ابراء در نوع دوم از قرارداد ارفاقی، به هیچ وجه صحیح نیست زیرا اولاً موافقت با درخواست مهلت، با حقیقت ابراء مطابقت نداشته، و با شرایط ابراء در حقوق ایران، تفاوت بنیادین و اساسی دارد، ثانیاً تاجر در مقابل طلبکاران ضامن است.

برای تبیین موضوع این پژوهش، چاره‌ای جز پرداختن به برخی از قواعد عمومی نهاد فقهی- حقوقی ابراء و همچنین تأسیس حقوقی قرارداد ارفاقی نبوده، به نحوی که هم به مسایل مرتبط با موضوع ابراء و نظریه ابراء در قرارداد ارفاقی به طور تطبیقی پرداخته شود؛ و هم اینکه از اهداف مدنظر تحقیق که شامل بررسی ضمان و مسئولیت تاجر پس از انعقاد قرارداد ارفاقی بوده غفلت نشود.

**کلیدواژه‌ها:** ابراء، ابراء مشروط، اسقاط، ضمان، قرارداد ارفاقی.

**مقدمه**

ابراء یکی از اعمال حقوقی مندرج در متون فقهی که قانون مدنی نیز به آن پرداخته است، به عنوان کتاب مستقلی تألیف نگردیده بلکه لابه‌لای مباحث مربوط به قواعد و احکام عقود و ایقاعات، مورد بررسی قرار گرفته است. در قانون مدنی سه ماده قانونی به موضوع ابراء اختصاص یافته، ضمن اینکه در بعضی مواد دیگر از قانون مدنی، ردپایی از مبحث ابراء را می‌توان دید. نظر به اینکه قرارداد اتفاقی، راجع به صرفظر کردن بخشی از طلب بستانکاران و یا اعطاء مهلت به تاجر ورشکسته به منظور ادامه فعالیت تجاری، به ابراء تعبیر گردیده بنابراین تبیین و پرداختن به ابعاد و زوایای جایگاه نهاد فقهی - حقوقی ابراء با فرض ابراء در قرارداد اتفاقی و ضمان ناشی از آن، ضروری به نظر رسید. چنانچه در قرارداد اتفاقی، عرف اخلاقی بر روابط بین تاجر حاکم گردد، می‌تواند مانع از ورشکستگی تاجر شود. سوال اصلی این تحقیق عبارت از این است؛ آیا نظریه ابرائی در قرارداد اتفاقی همان ابرایی است که در فقه و حقوق ما مطرح می‌باشد و یا اینکه قرارداد اتفاقی تفاوت بنیادی با نهاد فقهی - حقوقی ابراء دارد؟ سوال بعدی این خواهد بود که در اثر انعقاد قرارداد اتفاقی، آیا ذمه تاجر ورشکسته ساقط می‌شود و یا ضمان و مسئولیت همچنان متوجه تاجر خواهد بود؟ و سوال فرعی عبارت است از اینکه، چنانچه قرارداد اتفاقی، فسخ یا ابطال شود و یا تاجر مجدد ورشکسته شود، بالاخره تاجر مسئولیتی خواهد داشت یا خیر؟ توجه به مبانی بحث حائز اهمیت خواهد بود. عمل حقوقی ابراء بر مبنای متون فقهی و نیز اصول حقوقی ما با یک اراده صورت می‌گیرد اما توافق طرفینی تحت عنوان قرارداد اتفاقی بهویژه از نوع دوم آن ماهیت دیگری خواهد داشت؛ با توجه به جهات یاد شده پرداختن به موضوع امری مبرهن بوده که این پژوهش در صدد دستیابی به پاسخ سوالات مذکور خواهد بود. در این تحقیق، موضوعی با عنوان نگاهی به نهاد فقهی - حقوقی ابراء و بررسی ضمان ابراء در قرارداد اتفاقی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

**۱. ابراء**

به منظور تبیین موضوع تحقیق، اشاره به تعریف و ماهیت نهاد ابراء ضروری است لذا در این بخش تعریف لغوی و اصطلاحی ابراء بیان و نیز به ماهیت آن پرداخته می‌شود.

ابراء در لغت به معنی بیزار کردن، از بیماری رهانیدن، درست کردن، رها کردن مطلق آمده و در کل ابراء از دین بری کردن است (لغت نامه دهخدا، ۱۳۲۵: ۲۳۵). در اصطلاح فقهی، تعریف ابراء عبارت است از ساقط کردن حقی که انسان بر ذمه دیگری دارد (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ۱۳۸۲: ۲۱۲). در اصطلاح حقوقی مطابق تعریف ماده ۲۸۹ قانون مدنی: «ابراء عبارت از این است که داین از حق خود به اختیار صرفنظر نماید». بنابراین نکته بارز در تعریف ماده مذکور از اصطلاح ابراء، این است که طلبکار با اختیار از حق خود صرفنظر نماید.

موضوع حائز اهمیت در بحث ابراء این است که ماهیت ابراء چیست؟ آیا ابراء اسقاط است یا تملیک؟ در میان فقهای شیعه معروف است که حقیقت ابراء، اسقاط حق است نه تملیک. ابراء ساقط کردن حقی است که انسان بر ذمه دیگری دارد<sup>۱</sup> (شهید ثانی، ۱۴۲۵ق، ج ۸: ۲۸۱) و بعضی از فقهای امامیه ابراء را اسقاط محض دانسته‌اند<sup>۲</sup> محقق ثانی، ۱۴۲۹ج ۵: ۴۱۲). پس ابراء بر خلاف هبہ که تملیکی است و نیز به قبول احتیاج دارد و سقوط دینی که هبہ شده، مترتب بر آن می‌باشد اما ابراء اسقاط آنچه که در ذمه است، می‌باشد (خمینی)، بی‌تا، ج ۹۹: ۳) در این که ماهیت ابراء عقد است یا ایقاع اختلاف نظر وجود دارد؛ مشهور فقهای امامیه ابراء را ایقاع می‌دانند و قبول را در ابراء شرط نمی‌دانند<sup>۳</sup> (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۸: ۲۸؛ بحرانی، ۱۴۳۰، ج ۲۲: ۲۸۰). از این رو در بحث شرط خیار، هرچند به نظر فقهای خیار شرط در عقود صحیح و ثابت است، داخل در ایقاعات (از جمله ابراء) نمی‌شود محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲-۱: ۲۷۸؛ (علامه حلی)، ۱۴۳۱ج ۲: ۶۸؛ (شهید اول)، ۱۴۳۰ق، ج ۲: ۴۱۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴ج ۴: ۹۱) حال در بحث ابراء بودن صلح ما فی الذمه، فقهای معتقدند اگر صلح بر ما فی الذمه باشد، خیار شرط در آن داخل نمی‌شود ولی اگر صلح معاوضه‌ای باشد، خیار شرط بر آن داخل می‌شود (علامه حلی، ۱۴۲۰ج ۲: ۲۹۳).<sup>۴</sup>

درنتیجه بر مبنای نظریه مشهور، ابراء اسقاط ذمه و ایقاع است نه عقد هرچند برخی از فقهای شیعه مانند «ابن زهره» و «ابن ادریس» ابراء را عقد می‌دانند ابن ادریس در کتاب سرائر شرط

۱. ولأنَّ الإِبْرَاءُ اسْقَاطٌ مَا فِي الذَّمَّةِ

۲. لِأَنَّ الْإِبْرَاءَ اسْقَاطٌ مُحْضٌ

۳. لا يشترط في الإبراء القبول على الأصح وفاما للاكثرون بل مشهور.

۴. من شرط صحته قبوله، فلا يصح حتى يقبل، وما لم يقبل فالحق ثابت بحاله وهو الذي نختاره ونقول به، لأن في ابرائه من الحق الذي له عليه منه.

صحت ابراء را قبول دانسته و معتقد هستند تا زمانی که ابراء مورد قبول قرار نگیرد صحیح نیست و حق ساقط نمی‌شود، به دلیل اینکه ابراء دائم اگر مورد قبول قرار نگیرد موجب منت بر مدیون می‌شود<sup>۱</sup> (ابن ادریس حلی، ج ۳: ۱۴۳۰، ۱۸۸) مفهوم نظریه اخیر عبارت از این است که در ابراء قبول مدیون یعنی قبول ابراء شونده از ارکان ابراء است.

در مواد ۱۲۸۵ و ۱۲۸۷ قانون مدنی فرانسه بخش عقود و تعهدات، ابراء را معادل اسقاط توافقی دانسته، از این رو قید اصطلاح اسقاط توافقی، دلالت بر این دارد که قانون مدنی فرانسه، ابراء را عقد می‌داند و با وجود اینکه ابراء به سود متعهد بوده ولی رضایت و قبول او را لازم می‌داند (نوری، ۱۳۹۳: ۶۶). همچنین در ماده ۱۱۵ قانون تعهدات سوئیس در باب سقوط تعهدات، ابراء قراردادی وضع گردیده است (جواد واحدی، ۱۳۷۸: ۳۸).

ماده ۲۸۹ قانون مدنی در این از نظریه مشهور فقهاء تبیعت نموده، و ابراء را ایقاع می‌داند. بر مبنای قانون مدنی، بعضی از نویسنده‌گان می‌گویند: ابراء یک عمل حقوقی رایگان است و نیازی به اراده و قبول مدیون ندارد و با اراده داین به تنهایی تحقق می‌پذیرد و حتی با رد ابراء از جانب مدیون، لطمه‌ای به اعتبار آن نمی‌زند (شهیدی، ۱۳۶۸: ۶۹-۶۸). نظریه ایقاع بودن ابراء و اثر اسقاطی آن صائب و صحیح به نظر می‌رسد لکن بخش اخیر نظریه نویسنده مذکور مبنی بر اینکه حتی با رد ابراء از جانب مدیون لطمه‌ای به اعتبار آن نمی‌زند، زمانی مصدق خواهد داشت که مدیون اصرار بر پرداخت دین و یا ایفاء تعهد نداشته باشد لذا در صورتی که مدیون بخواهد در جهت پرداخت دین و ایفاء تعهد اقدام نماید، در چنین حالتی بستری برای ابراء باقی نمی‌ماند.

## ۲-۲. قرارداد ارفاقی

پس از تعریف و بیان ماهیت ابراء، اشاره به تعریف و ماهیت قرارداد ارفاقی نیز لازم است؛ ضمن اینکه قرارداد ارفاقی مشتمل بر دو نوع بوده، قرارداد ارفاقی نوع اول و قرارداد ارفاقی نوع

۱. البته در بحث دخول خیار شرط در عقد صلح اقوال سه گانه در فقه مطرح است که به لحاظ موضوع بحث این پژوهش که به ابراء اختصاص دارد به آن پرداخته نمی‌شود و اجمالاً اینکه مفهوم عدم دخول خیار شرط در صلح، افاده ابراء نموده نه معاوضه، چون در صورت معاوضه بودن صلح، ابراء مصدق ندارد. و این نظریه، یعنی تفصیل بین صورت معاوضه و افاده فایده ابراء که نظریه بعضی از فقهاء نظریه شیخ کرکی در جامع المقاصد است؛ شیخ انصاری آن را حالی از قرب ندانسته و آن را استوار نموده است (انصاری شیخ، ۱۳۸۷، جلد ۲: ۲۶۰).

دوم و تشخيص اينکه کدامیک از انواع قراردادهای مذکور با نهاد حقوقی ابراء تفاوت اساسی دارد و چه نوع از قرارداد ارفاقي با نهاد ابراء در حقوق ایران قابل مقایسه است. از جمله اهداف اين پژوهش بوده، که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

ارفاق در لغت به معنی مدارا کردن و تأخیر به پرداخت کننده است (فرهنگ فقه، ۱۳۲۵: ۳۵۹). قرارداد ارفاقي در اصطلاح حقوقی، قراردادی است میان بدهکار و بستانکاران که به موجب آن، مديون تعهد به پرداخت مبالغی معین در سررسیدهای مشخص به طبکاران خویش می‌نماید تا در عوض، مجدداً بتواند اختیار امور تجاری خود را به دست آورد (صغری، ۱۳۷۶: ۳۴۸). در این توافق که قرارداد ارفاقي نام دارد، طبکاران موافقت می‌کنند از مقداری از طلب خود بگذرند و می‌پذيرند که طلب آنها جزوی یا کلاً در زمانی معین و به طور معمول بهصورت اقساط پرداخت شود (اسکینی، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

در بيان مفهوم قرارداد ارفاقي می‌توان گفت که نظر ارفاقي در بین بوده، یعنی قرارداد بین تاجر و رشکسته و بستانکاران او منعقد می‌شود و به موجب آن تاجر به ادامه کار خود مجاز شده تا در مدت معینی تمام یا قسمتی از بدهی های خود را پردازد (قائم مقام فراهانی، ۱۳۶۷: ۱۶۶).

از اين رو قرارداد ارفاقي که اکثر طبکاران با تاجر و رشکسته منعقد می‌کند معتبر است (صفایي، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۷۵).

در بيان منشا قرارداد ارفاقي می‌توان گفت که منشاء اصلی چنین قراردادی، عرف حاکم بر روابط تجاري است. همچنين قرارداد ارفاقي موجب ميشود که سرآمد ديون تاجر را به تأخير انداده و برای رعایت مصلحت تاجر، سایه ور شکستگی هم تا مدتی از سر او کنار زده می‌شود تا شاید در اين مدت بتواند به اوضاع خود سامان ببخشد (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۱۴۶).

## ۱-۲. انواع قرارداد ارفاقي

قبل از بيان انواع قرارداد ارفاقي، لازم به ذكر است که در مورد مسئليت تاجر طبق ماده ۴۱۸ قانون تجارت ايران، حجر و منع مداخله تاجر در اموال خود از تاريخ صدور حكم ورشکستگی شروع می‌شود. اين موضوع، یعنی منع بودن مفلس از تصرف در اموال و مسئليت وی در مقابل طبکاران، به عنوان يك قاعده و در جهت حفظ مصلحت غرما، در متون فقهی مورد بحث قرار

گرفته است<sup>۱</sup> (نجفی، ۱۳۹۴، ج ۲۵: ۲۸۲). اما عنوان قرارداد ارفاقي در فقه مورد بحث قرار نگرفته، چرا که تحت عنوان قرارداد ارفاقي از حقوق غربي وارد قانون تجارت ايران شده است. قرارداد ارفاقي به اعتبار نوع مدار، رفق و حمایت طلبکاران با تاجر ورشکسته و ادامه فعالیت تجاري وی در قبال ضمان و مسئولیتی که متوجه‌اش بوده؛ انواع مختلفی دارد:

#### ۱-۱. نوع اول قرارداد ارفاقي

بیشتر اوقات، قرارداد ارفاقي متضمن ابراء بخشی از طلب، از سوی بستانکاران است، اینجاست که اینان به وصول حصه‌ای قناعت می‌کنند و امکان دارد ابراء نسبت به اصل یا خسارت تأخیر تا روز صدور حکم توقف، جاري شود (صغری، پیشین: ۳۵۱). در این فرض طلبکاران می‌توانند با تاجر ورشکسته قرار بگذارند و از ادامه تصفیه صرف نظر کنند، با این شرط که با تحفظی که برای او قائل می‌شوند طلبهای آن‌ها را پرداخت کند (اسکینی، پیشین: ۱۲۸). با وجود این، قصد بستانکاران از ابراء بخشی از دین، در واقع ایجاد تضمین برای گرفتن مابقی طلبی که دارند می‌باشد، به همین دلیل آن قسمت از طلب را که صرف نظر می‌کنند، در صورت عدم پرداخت دین، همچنان بر ذمه مدیون باقی است زیرا ابراء جنبه تبرعی نداشته است (سماواتی، ۱۳۹۵: ۳۹۷). در چنین قراردادی با وجود ابراء نسبت به بخشی از دین، اولاً ذمه تاجر بر مابقی دین همچنان مشغول بوده و تاجر ضامن و مسئول تأدیه آن می‌باشد ثانیاً چنانچه تاجر با ادامه فعالیت تجاري خود، مابقی دین را به بستانکاران پرداخت ننماید، همچنان ذمه وی مشغول بوده، و مفهوم بیان مذکور عبارت از این است که ابراء مشروط بوده و اثر اسقاطی تام و کامل ندارد.

#### ۱-۲-۱. نوع دوم قرارداد ارفاقي

به موجب نوع دوم از قرارداد ارفاقي، طلبکارها یا اکثریت آنان، موافقت می‌کنند که طلب خود را بعداً دریافت کنند و ورشکسته متعهد می‌شود که آن را طبق قرار و ترتیبی که در قرارداد ارفاقي معین شده، بستانکاران پرداخت کند (حسنی، ۱۳۸۵: ۶۶)، بدیهی است طبق ماده ۴۹۱ قانون تجارت

۱. (في منع التصرف)، ولا خلاف بين الاصحاب في أنه (يمنع من التصرف) ابتداء في المال الموجود حال الحجر، سواء كانَ بعوض أو غيره، بل ولو محاباة (احتياطاً) يحفظ المال (للغرما).

ایران در صورتی که تاجر، قرار تأديه سهم طلبکاران را داده یعنی به تعهد خود عمل نموده باشد؛ مأموریت مدیر تصفیه نیز ختم می‌شود بنابراین در نوع دوم از قرارداد ارفاقي، تاجر ورشکسته متعهد و ضامن می‌شود تا با فعالیت تجاری، نسبت به ایفاء دین اقدام ننماید. با توجه به مراتب مذکور، تفاوت نوع دوم قرارداد ارفاقي با نهاد ابراء، بنیادین و امری مبرهن بوده که در ادامه تحقیق به آن خواهیم پرداخت.

## ۲-۲. ماهیت قرارداد ارفاقي

در بیان نوع اول قرارداد ارفاقي، گفته شد این قرارداد متناسب ابراء بخشی از طلب از سوی بستانکاران است چرا که طلبکاران به وصول حصه‌ای قناعت می‌کنند. تغییر صرفنظر کردن بخشی از طلب به ابراء، چنانچه از باب به کارگیری اصطلاح ابراء در جریان انعقاد قرارداد ارفاقي باشد، ایرادی بر آن وارد نخواهد بود اما ابراء بخشی از طلب در قرارداد ارفاقي، برای این است که ذمه تاجر نسبت به مابقی دین مشغول بوده و ضامن و مسئولیت متوجه تاجر ورشکسته خواهد بود بنابراین چنانچه تاجر در ادامه فعالیت تجاری خود نسبت به پرداخت مابقی دین اقدام نماید آن بخش از دین که از سوی بستانکاران صرف نظر شده مصداقی از ابراء مشروط بوده است، به عبارت بهتر ابراء جزئی از طلب، مشروط به ایفا تعهد تاجر نسبت به باقی مانده طلب می‌باشد. اما در مورد نوع دوم از قرارداد ارفاقي، یعنی توافق ضمن مهلت خواهی تاجر ورشکسته، با ماهیت ابراء مطابقت ندارد زیرا در نوع دوم از قرارداد ارفاقي، تاجر ورشکسته صرفاً تقاضای مهلت می‌نماید تا بدون دغدغه به فعالیت تجاری خود ادامه دهد و در واقع تاجر ورشکسته ضامن پرداخت دین به طلبکاران است.

در خصوص ماهیت قرارداد ارفاقي، بعضی از نویسندها حقوق تجارت به تشابه قرارداد ارفاقي با موضوع گزارش اصلاحی در قانون آینین دادرسی مدنی، قائل هستند و این وضع (گزارش اصلاحی) را به نوعی در قرارداد ارفاقي نیز قابل مشاهده دانسته‌اند و اما در ادامه با اشاره به تصمیم صاحبان اکثریت سهام حاضر در مجمع عمومی مؤسس شرکت سهامی (تعیین تکلیف اکثریت نسبت به اقلیت غایب و مخالف) و به همین ترتیب تصمیم اکثریت طلبکاران در انعقاد قرارداد ارفاقي نسبت به اقلیت بلکه آن را به صورت یک تأسیس حقوقی مستقل با سهولت بیشتر قابل پذیرش می‌دانند (صغری، پیشین: ۳۵۴-۳۵۵). این حقوقدانان همچنین در مورد ماهیت قرارداد

ارفاقی، به دو تنوری قرارداد ارفاقی: ۱. عقد؛ ۲. حکم اشاره نموده و در مورد عقد بودن قرارداد ارفاقی بیان کرده که: «حقوق راجع به مطالبات شخصی بستانکاران دَر هم ادغام شده و توافق‌های صورت گرفته به وسیله این سندیکا، همه را متعهد می‌گرداند، این نظریه برای قرارداد ارفاقی اکثربیت، قابل قبول به نظر می‌رسد اما در مورد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه و دوستانه قابل تصور نمی‌باشد». (همان: ۳۵۶).

در بحث ماهیت قرارداد ارفاقی، بعضی معتقدند قانون نخواسته نظریه اکثربیت بستانکاران را بر اقلیت تحمیل کند (فراهانی، منبع پیشین: ۱۷۱)، به گفته بعضی دیگر، قرارداد ارفاقی منعقده بین تاجر ورشکسته و هیئت طلبکاران، عقدی است که جنبه الزام‌آور بودن آن به خاطر توافق طرفین است (سماواتی، ۱۳۹۵: ۴۱۰)، به تعبیر عده‌ای دیگر این قرارداد طبق ماده ۱۰ قانون مدنی بین طرفین دارای اعتبار قانونی است (افتخاری، ۱۳۷۹: ۲۴۵) نویسنده‌گان حقوقی در مورد نظریه ابراء در قرارداد ارفاقی می‌گویند؛ این ابرائی که ضمن قرارداد ارفاقی<sup>۱</sup> صورت می‌گیرد، تابع مقررات قانون مدنی نیست بلکه این ابراء در اوضاع و احوال خاص به توسط اکثربیت مجمع بستانکاران مقرر در ماده ۴۸۰ ق. ت بر اقلیت تحمیل می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷: ۸) و برخی دیگر از نویسنده‌گان در مورد انعقاد قرارداد ارفاقی و ماهیت آن معتقدند؛ قانونگذار در مواردی که مصلحت اجتماعی اقتضاء کند، اصل نسبی بودن قرارداد را نقض می‌نماید (صفایی، ۱۳۸۳: ۱۷۵؛ پاشازاده، ۱۳۸۵: ۳۱۵). با توجه به مراتب مذکور، به نظر می‌رسد ماهیت قرارداد ارفاقی چیزی جز منشاء قراردادی ندارد و ارکان شکل‌گیری و ماهیت آن بر مبنای رضایت طرفینی است اما با ویژگی منحصر به فردی که با طی فرآیند خاص و تحقق شرایط قانونگذار آن را معتبر می‌داند.

## ۲-۳. خصوصیات قرارداد ارفاقی

انعقاد قرارداد ارفاقی مستلزم رعایت شرایطی بوده که شامل: درخواست قرارداد ارفاقی، قبول اکثربیت طلبکاران، عدم محکومیت ورشکستگی به تقلب یا تقصیر و تصدیق دادگاه است لذا این موارد، شرایط و فرآیند تحقق قرارداد ارفاقی می‌باشند. اما مهم‌ترین ویژگی در بحث قرارداد ارفاقی عبارت است از جنبه التزام و تعهد تاجر ورشکسته در مقابل طلبکاران؛ زیرا بر حسب نظریه

---

۱. concordact

ابراء در قرارداد ارفاقي، مدييون از اصل دين و طلب بستانکاران بری‌الذمه نمی‌شود بلکه طلبکاران يا از بخشی از طلب خود می‌گذرند و يا به او مهلت می‌دهند تا با فعالیت تجاری و تقویت بنیه مالی خود، بتواند در جهت پرداخت دین اقدام بنماید لذا می‌توان گفت در مورد صرف نظر نمودن از جزء طلب توسط طلبکاران، ابراء مشروط محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر نظریه ابراء در حوزه قرارداد ارفاقي جنبه تبرعی و يا اثر اسقاطی به معنی واقعی و سقوط تعهد به صورت کامل صورت نمی‌گيرد.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲-آثار ابراء و قراردادهای ارفاقي

همانگونه که قبلاً گفته شد، مشهور فقهای امامیه، ابراء را ایقاع و اسقاط می‌دانند نه تمليک، قانون مدنی نیز در بحث ابراء از نظریه مشهور پیروی نموده و ابراء را ایقاع می‌داند؛ به دليل اينکه دائن از حق خود به اختيار صرفنظر می‌کند. بنابراین طبق بند ۳ ماده ۲۶۴ قانون مدنی اثر اصلی ابراء، سقوط تعهد (مدييون) است، يعني همانند وفای به عهد، طلب را از بين می‌برد البته نباید آن را نوعی پرداخت و يا در حکم آن پندشت و نیز اين سقوط، بر حسب اراده طلبکار ممکن است ناظر به تمام يا بخشی از طلب باشد (کاتوزيان، ۱۳۸۳: ۵۱۳). اثر ابراء، بری‌الذمه شدن مدييون از دينی است که می‌باید به طلبکار پرداخت نماید و با عمل حقوقی ابراء از ناحیه دائن، دين مدييون ساقط می‌شود چرا که دائن با اراده يك طرفه از حق خود به اختيار صرف نظر نموده است لکن بر خلاف آثار اسقاطی ابراء، نظریه ابراء در قرارداد ارفاقي، به جز در مورد صرف نظر کردن از بخشی از طلب (نوع اول قرارداد ارفاقي) که مشروط به پرداخت بقیه دین است، به طورکلی جنبه اسقاط ندارد و همچنان ضمان متوجه تاجر می‌باشد لذا پس از فراهم شدن شرایط و انعقاد قرارداد ارفاقي، بار مسئولیت و تأديه پرداخت دین و ضمان بر دوش تاجر ورشکسته خواهد بود زيرا تاجر متوقف

۱. بعضی از نویسندها می‌گویند قرارداد ارفاقي يك عقد معاوضی است (سماواتی، پیشین: ۴۰۷). به نظر می‌رسد تعبیر قرارداد ارفاقي به عقد معاوضی (مانند عقد بیع یا اجاره) خالی از ابراد و اشکال نیست؛ به دليل اينکه تاجر ورشکسته، مدييون طلبکاران خود می‌باشد و چه بسا برابر منشأ دین وی بر اثر معاملات مuousp که با بعضی از طلبکاران داشته، تعهد بر ذمه وی مستقر شده، و متعاقب آن فیماين اکثریت طلبکاران و تاجر ورشکسته قرارداد ارفاقي منعقد شده است. بنابراین عقدی که از مصاديق عقود معاوضی باشد، در اين فرآيند اتفاق نمی‌افتد. در نتيجه قرارداد ارفاقي خصيصه معاوضی به معنی مصطلح قواعد عمومی قراردادها را ندارد بلکه تاجر ورشکسته فرصت پیدا می‌کند و ملتزم و ضامن می‌شود تا نسبت به ایفاء تعهد و مسئولیت خود اقدام نماید.

می‌باید نسبت به اجرای شرایط قرارداد اتفاقی اقدام بنماید. بنابراین پرداختن به آثار قرارداد اتفاقی حائز اهمیت است.

### ۳. اثر قرارداد نسبت به طلبکاران

#### ۱-۳. نسبت به طلبکاران

به موجب صدر ماده ۴۸۹ قانون عبارت همین که قرارداد اتفاقی تصدیق شده، نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده‌اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضاء نموده‌اند قطعی خواهد بود و لکن نسبت به طلبکارانی که در شمار اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضاء نکرده‌اند، می‌توانند سهم خود را موافق آنچه از دارایی تاجر به طلبکارها می‌رسد دریافت نماید؛ حال با توجه به قسمت اخیر ماده مذکور، بعضی از نویسنده‌گان معتقد‌ند قانون نخواسته که نظر اکثریت را بر اقلیت تحمل کند (قائم مقام فراهانی، پیشین: ۱۷۱). این نظریه خالی از اشکال و ایراد نیست، یعنی اگرچه اقلیت از بستانکاران می‌توانند سهم خود را دریافت نمایند اما نمی‌توانند با مخالفت خود، اعتبار قبولی اکثریت طلبکاران را متزلزل بنمایند. مفتن به طور استثناء اصل نسبی بودن قرارداد را در مورد قرارداد اتفاقی نقض نموده و درنتیجه در چهارچوب قانون، قبولی اکثریت بستانکاران بر اقلیت، به نوعی تحمیل می‌شود چراکه اولاً تاجر را از حالت توقف خارج و او را بدون رضایت اقلیت، به زندگی عادی تجاری برمی‌گرداند؛ ثانیاً شرکت کننده‌گان قرارداد اتفاقی را بر دیگران، در استیفادی باقی مانده طلبشان از دارایی تاجر مقدم می‌دارد (قاسم زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۰) هرچند طرفین پای‌بند به قرارداد تنظیمی فیما بین خواهند بود؛ از این رو طبق ماده ۱۹۴۹ لایحه جدید قانون تجارت، هیچ یک از بستانکاران دعوت شده به جلسه مجمع عمومی بستانکاران، در مورد دیون موضوع قرارداد و یا دیونی که از بابت سهم غرامی دریافت کرده‌اند، حق اقامه دعوى، اقامه دعوى توقيف شده، شروع و یا ادامه عملیات اجرایی را علیه تاجر متوقف ندارند، فلسفه آن می‌تواند رفع عدم دغدغه تاجر ورشکسته باشد تا با آرامش و طیب خاطر در امور فعالیت تجاری اش متمرکز شود و بتواند مسئولیت خود را انجام دهد.

#### ۲-۳. اثر قرارداد نسبت به تاجر ورشکسته

قرارداد اتفاقی به تاجر این امکان را می‌دهد که بتواند اموالش را در اختیار بگیرد و به فعالیت

تجاری اش ادامه دهد تا از عهده ضمان و مسئولیتی که در اثر تخفیف و یا اعطای مهلت توسط طلبکاران نصیب وی شده برا آید و نسبت به تأديه سهام بستانکاران اقدام بنماید؛ این موضوع (آثار قرارداد ارفاقي و ضمان تاجر ورشکسته) در لایحه (قانون جدید) تجارت در کنار نحوه فعالیت تجاری، نحوه پرداخت دیون بستانکاران، چگونگی ایفای تعهدات غیر نقدی، مدت زمان اجرای قرارداد که در دستور کار تاجر ورشکسته قرار می گیرد، پیش‌بینی شده است. برابر ماده ۱۰۵ لایحه مذکور، به علاوه تاجر متوقف در حال اجرای قرارداد می‌باید در سربرگ‌ها و مطالبات خود عنوان «در حال اجرای قرارداد ارفاقي پیشگیرانه» را درج نماید.

### ۳-۳. اثر قرارداد نسبت به اشخاص ثالث

منظور از اشخاص ثالث، ضامن‌های ورشکسته و یا کسانی هستند که با او مسئولیت تضامنی دارند؛ قانونگذار در مورد این اشخاص مقررات ویژه‌ای پیش‌بینی نکرده است بنابراین این موضوع تابع قواعد عام خواهد بود، درنتیجه طلبکارانی که علاوه بر تاجر ورشکسته، بدھکار دیگری دارند می‌توانند به او مراجعه کنند (اسکینی، پیشین: ۱۵۸-۱۵۷؛ ملاک مواد ۲۵۱ و ۴۲۲ ق. ت: صفری، پیشین: ۳۶۸).

با توجه به مراتب پیش‌گفته، در اثر عمل حقوقی ابراء، دین مدیون به وسیله ابراء اسقاط می‌گردد، یعنی ضمانی متوجه مدیون نیست اما در نظریه ابراء در قرارداد ارفاقي، چنین اثری به چشم نمی‌خورد، بلکه قرارداد ارفاقي فی نفسه به منظور ایفاء تعهد بوده و از این رو ضمان (مسئولیت) تاجر ورشکسته همچنان برقرار بوده و ابراء جنبه اسقاط ندارد.

### ۴. ضمان در قرارداد ارفاقي

در موضوع مربوط به قرارداد ارفاقي، ناظر به صرف نظر کردن بخشی از طلب، اصطلاح ابراء به شرط عوض خواهد بود لکن اثر اسقاطی ابراء، هرچند به تمام و کامل صورت نمی‌گیرد زیرا تاجر می‌باید نسبت به تأدیه بقیه دین همچنان اقدام بنماید. پس شرط ابراء پرداخت مابقی دین

۱. مطابق ماده ۴۹۱ ق. ت: «همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد ارفاقي قطعی شد، مأموریت مدیر تصفیه خاتمه یافته و کلیه دفاتر و استناد و نوشتگات قانون تجارت: همچنین دارایی ورشکسته را به استثنای آنچه که باید به طلبکارانی که قرارداد ارفاقي را امضاء نکرده‌اند داده شود، به مشارالیه رد کرده و رسید می‌گیرد.»

توسط تاجر ورشکسته بوده که بر ذمه وی باقی است؛ از این رو رفع ضمان و مسئولیت پس از ایفاء تعهد و پرداخت دین از سوی تاجر صورت می‌گیرد، آنگاه اثر اسقاطی ابراء بخشی از طلب نیز محقق خواهد شد. در واقع زمانی تعهد تاجر ورشکسته نسبت به ابراء جزء از دین ساقط می‌شود که تاجر نسبت به پرداخت بقیه دین نیز اقدام نماید.

در نوع دوم از قرارداد ارفاقی، طلبکاران با پذیرش مهلت خواهی، به تاجر این امکان را می‌دهند تا بتواند به فعالیت تجاری خود ادامه دهد، حال آیا اعطاء مهلت به تاجر ورشکسته به منظور فعالیت تجاری و پرداخت دین به بستانکاران، ابراء محسوب می‌شود یا خیر؟ تحقیقاً در نوع دوم از قرارداد ارفاقی، بستانکاران از طلب خود، اعم از جزئی یا کلی صرف نظر نمی‌کنند، چراکه اگر اکثریت طلبکاران نسبت به مطالبات خود از تاجر ورشکسته صرف نظر می‌کردند، طلبی از آنها در ذمه تاجر ورشکسته باقی نمی‌ماند، حال آنکه در قرارداد ارفاقی از نوع دوم، بستانکاران از طلب خود چشم پوشی نمی‌کنند بلکه طلبکاران حقی که از تاجر ورشکسته دارند قبول می‌کنند که طلب آنها جزئی یا کلأ در زمانی معین و معمولاً به صورت اقساط پرداخت شود (ستوده تهرانی، ۱۳۷۸؛ اسکینی، پیشین: ۲۸۲؛ اسکینی، پیشین: ۳۶۷-۳۶۶؛ صفری، ۱۳۸۸؛ ۹۶)، به عبارت دیگر ضامن می‌شود. بنابراین، در فرآیند انعقاد قرارداد ارفاقی از نوع دوم اولاً هیچگونه بحثی مبنی بر اسقاط حق مطرح نیست؛ ثانیاً تاجر ورشکسته در قامت معهد ایستاده و در مقابل طلبکاران مسئولیت دارد و درنتیجه متحملی مبنی بر وقوع عمل حقوقی ابراء در این قضیه مشاهده نمی‌شود.

در واقع پس از انعقاد قرارداد ارفاقی، تاجر ورشکسته معهد می‌شود تا با از سرگیری فعالیت تجاری، بتواند از عهده مسئولیتی که متوجه اش بوده، برآید. به عبارت صریح، اکثریت طلبکاران با تجزیه تعهد و ابراء بخشی از طلب خود در نوع اول و پذیرش مهلت در نوع دوم از قرارداد ارفاقی، به تاجر ورشکسته این امکان را می‌دهند که وی بتواند در عوض به فعالیت تجاری خود ادامه دهد، و نسبت به ضمان و مسئولیتی که دارد، ایفاء دین نماید؛ بنابراین تاجر (مدیون) همچنان در موقعیت معهد ایستاده و ضمان متوجه او می‌باشد و معهد به پرداخت مبالغی معین و یا جمیع مطالبات تا سرسید معین به طلبکاران خویش است تا وقتی که بتواند با پرداخت بدھی، از ضمان رهایی یابد. اگر چه در جریان قرارداد ارفاقی، در عین حال که حق مطالبه از طلبکاران ساقط می‌شود اما اصل

دین (ضمان) باقی می‌ماند (کاتوزیان، پیشین: ۵۲۰) و تاجر ورشکسته تعهد می‌نماید با رونق گرفتن دوباره فعالیت تجاری اش، مابقی و یا کلیه بدھی خود را به بستانکاران پرداخت نماید (ستوده تهرانی، پیشین: ۲۸۳).

پیرامون شخص یا اشخاص ضامن در قرارداد ارفاقي چنانچه قرارداد ارفاقي با ضامن بسته شود، این قرارداد جنبه خصوصی (منحصر به افراد) بوده و تابع قواعد عام حقوق مدنی است. در واقع مشمول قرارداد ارفاقي که تعریف و شرایط آن در قانون تجارت آمده است پس طبکارانی که علاوه بر تاجر ورشکسته، بدھکار دیگری دارد می‌تواند به او مراجعه کند. شخص یا اشخاصی که اجرای قرارداد ارفاقي را ضمانت نموده‌اند، فقط در حدود اجرای قرارداد ارفاقي ضامن هستند و چنانچه تاجر تخلفی بکند، مسئولیتی نخواهد داشت ولی اگر تاجر ورشکسته در اجرای قرارداد اهمال کند یا مبادرت به تقلب و دسیسه کند، مسئول این تخلفات خواهد بود (ستوده تهرانی، پیشین: ۲۸۷) و هرگاه ضامن‌ها متعدد باشند وفق قسمت اخیر ماده ۴۹۵ ق. ت مسئولیت آن‌ها تضامنی است (عبدی، ۱۳۷۹: ۳۴۱). همچین، با توجه به مواد ۲۵۱ و ۴۲۲ ق. ت بستانکاران حق مراجعه خود را به مسئولان متضامن با ورشکسته، حفظ می‌نمایند (صغری، پیشین).

## ۵. آثار فسخ ، ابطال یا عقیم ماندن قرارداد ارفاقي

در قرارداد ارفاقي، ضمان و مسئولیت متوجه تاجر می‌باشد چنانچه طبکاران از جزء از طلب خود صرف نظر کنند، تاجر نسبت به پرداخت ما بقی طلب بستانکاران ضامن است و در نوع دوم از قرارداد ارفاقي، تاجر نسبت به پرداخت کلیه طلب بستانکاران ضامن است. در هر صورت ضمانت و مسئولیت تاجر پس از پرداخت طلب بستانکاران به پایان می‌رسد اما سوالی که مطرح است عبارت از اینکه چنانچه قرارداد ارفاقي ابطال یا فسخ شود و یا اینکه تاجر ورشکسته متعاقب قرارداد ارفاقي مجدداً ورشکسته شود، آیا ضمان و مسئولیت همچنان متوجه تاجر خواهد بود که در ادامه به هر یک از موارد مذکور خواهیم پرداخت.

### ۱-۵. فسخ قرارداد ارفاقي

مطابق ماده ۴۹۴ ق. ت: «اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقي را اجرا نکرد، ممکن است برای فسخ قرارداد مجبور بر علیه او اقامه دعوی نمود.» منظور از اصطلاح شرایط قرارداد ارفاقي

مندرج در ماده، تعهدات و مسئولیت‌هایی است که به موجب قرارداد ارفاًقی یا طبق قانون بر عهده تاجر ورشکسته قرار گرفته است (اسکینی، پیشین: ۱۵۹). بنابراین، پس از ورشکستگی تاجر و دینی که به عهده وی بوده، قرارداد ارفاًقی منعقد و در اثر آن ضمان بر عهده تاجر ورشکسته بوده، و حتی با لحاظ نظریه ابراء، ذمه ایشان مشغول بوده که می‌باید از عهده تعهدات و مسئولیت خود برآید و در صورت عدم اجرا شرایط قرارداد ارفاًقی، به حکم ماده یاد شده، اقامه دعوی علیه تاجر ورشکسته مبنی بر اعلام فسخ قرارداد ارفاًقی می‌تواند در دستور کار طلبکاران قرار گیرد و این دلیلی دیگر بر ضمان و مسئولیت تاجر ورشکسته بر اساس نظریه ابراء در قرارداد ارفاًقی است.

#### ۲-۵. ابطال قرارداد ارفاًقی

اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاًقی را بدهد ضمانت ضامن یا ضامن‌ها (در صورتی که باشد) به خودی خود ملغی می‌شود و دارایی تاجر بین طلبکاران ارفاًقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاًقی طلبکار شده‌اند به غرما تقسیم می‌شود.<sup>۱</sup> بنابراین اگر کیفیت ابراء در قرارداد ارفاًقی به منزله اسقاط باشد، دیگر محملي بر ضمان و مسئولیت تاجر ورشکسته نیست زیرا در اثر تحقق ابراء، سقوط حق صورت گرفته و تعهد و ضمانت باقی نمی‌ماند. اما در ما نحن فيه (پس از ابطال قرارداد ارفاًقی)، طلبکاران در ردیف غرماء قرار می‌گیرند؛ درنتیجه در مورد نظریه ابراء در قرارداد ارفاًقی، می‌توان گفت ضمان و مسئولیت تاجر نسبت به طلبکاران در جای خود باقی خواهد بود.

#### ۳-۵. ورشکستگی جدید تاجر ورشکسته

برابر ماده ۵۰۳ قانون تجارت: «هر گاه تاجری ورشکست و امرش متنهی به قرارداد ارفاًقی گردید و ثانیاً بدون اینکه قرارداد مذبور باطل یا فسخ شود ورشکست شد، مقررات دو ماده قبل در ورشکستگی ثانوی لازم الاجرا است.» ملاحظه می‌شود که در صورت حدوث ورشکستگی جدید، اقاله‌ای در این تأسیس حقوقی پیش‌بینی نشده است بلکه قرارداد ارفاًقی عقیم می‌ماند و نمی‌توان گفت که فسخ یا ابطال می‌گردد. در این حالت، مانند ابطال و فسخ قرارداد عمل خواهد شد، یعنی طلبکاران جدید و قدیم همه متساوی الحقوق بوده و به یک نسبت سهم می‌برند (صغری، پیشین:

۱. مواد ۵۰۳ و ۵۰۱ قانون تجارت

(۳۷۴). بنابراین به لحاظ عقیم ماندن قرارداد ارفاقي، تاجر ورشکسته تا ایفاء حق بستانکاران، همچنان ضامن بوده و در مقابل طلبکاران مسئولیت دارد. در واقع چنانچه نظریه ابراء در قرارداد ارفاقي به منزله سقوط تعهد بود، دیگر احیاء و طرح مجدد دین تاجر ورشکسته که دچار ورشکستگی جدید شده، موضوعیتی ندارد اما مطابق نص ماده ۵۰۳ ق. ت مقررات دو ماده قبل، یعنی مواد ۵۰۱ و ۵۰۲ ق. ت در ورشکستگی جدید لازم الاجرا است. از این رو دارایی تاجر بین طلبکاران ارفاقي و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقي طلبکار شده‌اند تقسیم می‌شود. البته لازم به ذکر است موضوع طلبکار شدن اشخاص بعد از قرارداد ارفاقي ناظر به بحث این تحقیق نبوده و لکن نکته اساسی در این پژوهش، ضامن و مسئولیت تاجر ورشکسته در اثر انعقاد قرارداد ارفاقي بوده که با وجود اخذ تخفیف و یا تحصیل مهلت، ضامن و تعهد در عهده تاجر ورشکسته همچنان مستقر بوده و چون موفق به اجرای شرایط قرارداد ارفاقي نشده، بستانکاران از هر نوع همچنان در ردیف غرماء باقی می‌مانند.

### نتیجه‌گیری

ابراء در قانون مدنی به تبعیت از نظریه مشهور فقهای امامیه ایقاع است. به وسیله ابراء که با اراده یک طرف صورت می‌گیرد، در واقع ذمه مدیون ساقط شده و دیگر تعهد و ضمانتی متوجه مدیون و بدهکار نیست و با انعقاد قرارداد ارفاقي، ذمه تاجر ورشکسته بری نمی‌شود و همچنان ضامن خواهد بود لذا نظریه ابراء در قرارداد ارفاقي، با اصول و قواعد قانون مدنی تطابق ندارد. در قرارداد ارفاقي نوع اول، بستانکاران از جزئی از طلب خود می‌گذرند، به شرطی که تاجر با فعالیت تجاری خود، نسبت به مابقی دین خود اقدام نماید پس ابراء بخشی از دین، مقید به شرط می‌باشد و شرط مستقر در ابراء، ایفاء تعهد و پرداخت باقی‌مانده دین است؛ در کل پس از پرداخت باقیمانده دین و عمل به شرط، ذمه تاجر بری می‌شود؛ درنتیجه ابراء بخشی از دین، تحقق می‌یابد، در غیر این صورت ابراء جزئی از دین، فاقد اثر خواهد بود.

اما در قرارداد ارفاقي نوع دوم که اکثریت طلبکاران با درخواست مهلت تاجر ورشکسته موافقت می‌کنند، ضامن و تعهد متوجه تاجر بوده تا اینکه نسبت به پرداخت کلیه دین اقدام نماید پس اولاً موضوع توافق طرفین، اتفاق به تاجر بوده تا اینکه تاجر بتواند بدون دغدغه به فعالیت تجاری خود ادامه دهد و نسبت به ایفاء تعهد و پرداخت طلب بستانکاران اقدام نماید؛ ثانیاً تعبیر

پذیرش مهلت خواهی به ابراء، با مبانی و شرایط حقیقت ابراء مطابقت ندارد لذا قبول درخواست مهلت به مدیون با نهاد فقهی- حقوقی ابراء تفاوت بنیادین و اساسی دارد زیرا حقیقت عمل حقوقی ابراء، ایقاع و اسقاط است ولی پس از انعقاد قرارداد ارفاقی، تاجر ورشکسته ضامن می‌شود پس توافق طرفین و موافقت اکثریت طلبکاران با درخواست مهلت تاجر ورشکسته به منظور پرداخت دین که به ابراء تعییر شود؛ صحیح نبوده در نوع دوم از قرارداد ارفاقی- نظریه ابراء- قابل قبول نیست، چراکه در این فرآیند ابرائی تحقق نمی‌یابد.

همچنین در صورتی که تاجری قرارداد ارفاقی را اجرا نکند یا قرارداد فسخ شود و یا قرارداد ارفاقی ابطال گردد و همچنین اگر تاجر در اثناء فعالیت تجاری خود به منظور پرداخت دین، مجدداً ورشکسته شود و در اثر آن (قرارداد ارفاقی عقیم بماند، در تمام موارد یادشده شرایط به قبل از قرارداد ارفاقی بر می‌گردد و تاجر در مقابل طلبکارانی که با وی قرارداد ارفاقی منعقد نموده‌اند و همچنین طلبکاران جدید، ضامن خواهد بود.

### کتاب نامه منابع و مأخذ

- اسکینی، ریعا. (۱۳۸۴). حقوق تجارت ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته. چاپ هشتم. تهران: سمت.
- افتخاری، جواد. (۱۳۷۹). حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکستگی. تهران: ققنوس.
- انصاری، مسعود، طاهری، محمدعلی. (۱۳۸۴). دانشنامه حقوق خصوصی. جلد سوم. تهران: محراب فکر.
- پاشازاده، حسن. (۱۳۸۵). آثار قرارداد نسبت به اشخاص ثالث در حقوق ایران و انگلیس. تبریز: دانشگاه تبریز.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۵۷). دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت. جلد اول. تهران: راستاد.
- حسنی، حسن. (۱۳۸۵). حقوق تجارت. چاپ پنجم. تهران: میزان.
- خمینی (امام)، سید روح... (بی‌تا). ترجمه تحریرالوسلیه. جلد سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۲۵). لغت نامه دهخدا. حرف الف - ۲. تهران.
- ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۷۸). حقوق تجارت. جلد چهارم. چاپ سوم. تهران: راستاد.
- سماواتی، حشمت... (۱۳۹۵). اصول ورشکستگی. تهران: مجلد.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۶۸). سقوط تعهدات. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۸۳). قواعد عمومی قراردادها. جلد دوم. چاپ دوم. تهران: میزان.
- صغری، محمد. (۱۳۷۶). حقوق بازرگانی «ورشکستگی» نظری و عملی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عرفانی، محمود. (۱۳۸۸). حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه اموال. جلد چهارم. تهران: جنگل جاودانه.
- فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت. (۱۳۸۲). زیر نظر محمود هاشمی شاهروdi. جلد اول. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
- قاسم زاده، سید مرتضی. (۱۳۹۲). مختصر قراردادها و تعهدات. چاپ دهم. تهران: دادگستر.
- قانون تعهدات سوئیس\_ در سقوط تعهدات. (۱۳۷۸). جواد واحدی. تهران: میزان.
- قانون مدنی فرانسه: بخش عقود و تعهدات. (۱۳۹۳). مترجم: محمد علی نوری. چاپ سوم. تهران: گنج دانش.
- قائم مقام فراهانی، محمد حسین. (۱۳۶۷). حقوق تجارت ورشکستگی و تصفیه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۳). اعمال حقوقی: قرارداد-ایقاع. چاپ نهم. تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
- عبدی، محمد علی. (۱۳۷۹). حقوق تجارت. چاپ شانزدهم. تهران: گنج دانش.

عربی:

- العاملي، شمس الدين محمد بن مكى. (١٤٣٠ق). *الدروس الشرعية في فقه الإمامية*. جلد دوم. چاپ سوم.  
قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- العاملي الجبجي، زين الدين بن على العاملي. (١٤١٤ق). *مسالك الأفهام في شرح شرائع الإسلام*. جلد  
چهارم. بيروت: مؤسسه البلاغ.
- . (١٤٢٥ق). *مسالك الأفهام إلى شرح شرائع الإسلام*. جلد هشتم. قم: مؤسسه المعارف  
الإسلامية.
- الكركي، على بن الحسين. (١٤٢٩ق). *جامع المقاصد في شرح القواعد*. جلد پنجم. بيروت: مؤسسه آل  
البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- المطهر الاسدي، أبي منصور الحسن بن يوسف. (١٤٣١ق). *قواعد الأحكام*. جلد دوم. چاپ دوم. قم: نشر  
اسلامی.
- المطهر الاسدي، أبي منصور الحسن بن يوسف. (١٤٢٠ق). *تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية*.  
جلد دوم. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
- انصاری، مرتضی. (١٣٨٧). *مکاسب*. جلد دوم. چاپ پنجم. قم: مؤسسه مطبوعات دینی.
- بحرانی، يوسف. (١٣٤٠). *الحادائق الناظرة في أحكام العترة الطاهرة*. جلد بیست و دوم. چاپ چهارم. بیجا:  
دارالأضواء.
- جعفر بن الحسن، ابوالقاسم نجم الدين. (١٤٠٣ق). *شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام*. جلد اول و  
دوم. چاپ سوم. بيروت: مؤسسه وفا.
- حلى، أبي جعفر محمد بن منصور بن احمد. (١٤٣٠ق). *كتاب السرائر*. جلد سوم. چاپ ششم. قم: نشر  
اسلامی.
- نجفی، محمد حسن. (١٣٩٤). *جوهر الكلام في شرح شرائع الإسلام*. جلد بیست و پنجم، چاپ ششم.  
تهران: دار الكتب الاسلامیه.
- . (١٣٦٨). *جوهر الكلام في شرح شرائع الإسلام*. جلد بیست و هشتم. تهران: دار الكتب  
الإسلامیه.